

بررسی مفهوم امامت از دیدگاه دو فرقه زیدیه و امامیه

سید احسان صادقیان^۱

چکیده

امامت نخستین مسئله بحث برانگیز و اختلاف آفرین در تاریخ اسلام بود که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) اولین دسته بندی ها و انشعابات را در میان مسلمانان به وجود آورد. اگرچه مسلمانان پیرو نظریه امامت خود بعدها به طور کلی به سه شاخه اصلی زیدیه، اسماعیلیه و اثنا عشریه تقسیم شدند. این تحقیق بر آنست تا با تکیه بر روش تاریخی امامت از دیدگاه دو فرقه زیدیه و اثنا عشریه (امامیه) را مورد بررسی قرار دهد. یافته های این تحقیق حاکی از آنست که در طی فرآیند تکامل تاریخی دو فرقه هر چند هر دوگی آن ها نقاط اشتراک فراوانی در موضوع امامت با یکدیگر داشتند اما حوادث تاریخی و برداشت های متفاوت متکلمان هر دو فرقه از آن ها باعث به وجود آمدن اختلافاتی در این زمینه شده است؛ اختلافاتی همچون شیوه گزینش امام و ویژگی های او نیز تعداد امامان و وظایف و اختیارات آن ها از این جمله اند.

واژگان کلیدی: شیعه، امامیه، زیدیه، امام، امامت.

Studying about the Concept Imamate According to Two Sects: Shiite and Zaidiyyah

Seyyed Ehsan Sadeghian²

Abstract

As the first important controversy in the history of Islam, Imamate made the first religious sects and branches among the Moslems. The Moslems following the Imamate theory classified later to three main sects: Zeidis, Esmailism, twelver (Ithna'ashariyyah). This paper, according to historical method, wants to study the concept Imamate in view point of Zaidi and twelver. This article's finds show that in the course of history, in spite of all their similarities about the Imamate, these two sects, by historical events and different interpretations of Imami and Zaidi religious leaders, gradually experienced more differences among themselves: the method for electing the Imam, his characteristics, number of the Imams and their duties and authorities.

Keywords: Shiite, Imami, Zaidiyyah, Imam, Imamate.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه شهید بهشتی / Ehsansadeghian@yahoo.com

۲. MA Candidate of the History of Islam, Shahid Beheshti University.

معنای لغوی واژه‌ی امام

واژه‌ی «امام» از ریشه‌ی «امم» مهموز الفاء و مضاعف است که در لغت به معنای زیر آمده است: الف) آنچه مورد پیروی و تبعیت قرار می‌گیرد؛ «امام به کسرالف بر وزن فعال به معنای کسی است که مورد پیروی است.^۳ همچنین گفته شده است که: «امام را به دلیل اینکه او پیشرو و مردم پیرو هستند، امام نامیدند.^۴» همچنین از معنای دیگری که برای کلمه‌ی امام گفته شده است عبارت است از مقدم،^۵ قیم و سرپرست، طریق و راه،^۶ ناحیه. در قرآن کریم واژه‌ی امام در معنای مختلف لغوی به کار رفته است:

۱- به معنای پیش رو: «... اِنِّی جاعلک للناس اماماً؛ من تو را پیشوای مردم قرار دادم.^۷» و «... و اجعلنا للمتقین اماماً؛ ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.^۸» مراد از واژه‌ی امام در این دو آیه همان پیش رو و مقتداست.

۲- به معنای لوح محفوظ: «کلّ شی‌ احصیناه فی امام مبین؛ و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمردیم.^۹»

۳- به معنای پیروی شده: «... و من قبله کتاب موسی اماماً؛ و پیش از وی [قرآن] کتاب موسی پیروی شده بوده است.^{۱۰}»

همچنین معنای دیگری در قرآن از واژه‌ی امام فهمیده می‌شود. مانند نامه،^{۱۱} راه^{۱۲} و... غالباً معنای امام در عرب امری است که مورد تبعیت باشد. چه انسان باشد که کردار و گفتارش، مورد

۳. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، تحقیق احمد الحسینی (تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵)، ص ۵۰.

۴. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی شیخ صدوق، معانی الاخبار، ترجمه حمیدرضا شیخی (قم: ارمغان طوبی، ۱۳۸۹)، ص ۹۶.

۵. محمد بن مکرّم جمال الدین ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲ (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق)، صص ۲۴ - ۲۵.

۶. طریحی، ج ۶ ص ۱۰.

۷. بقره، ۱۲۴.

۸. فرقان، ۷۴.

۹. یس، ۱۲.

۱۰. هود، ۱۷.

۱۱. بنی اسرائیل، ۷۱.

۱۲. حجر، ۷۹.

تبعیت است و چه کتاب؛ چه حق باشد و چه باطل.^{۱۳}

پس از پرداختن به معنای امام در اینجا می‌بایست از خلافت و خاستگاه آن در فرهنگ اسلامی سخن به میان آورد. واژه‌ی خلافت به معنای اصطلاحی، بعد از رحلت رسول خدا (ص) در عرصه‌ی فرهنگ اسلامی ظهور کرد. قدیمی‌ترین متونی که به جریان سقیفه می‌پردازند حاکی از آن است که در ماجرای سقیفه، هیچ استناد قرآنی و حتی روایی که دلالت کند پیامبر واژه‌ی «خلافت» یا «خلیفه» را به کار برده باشد، وجود ندارد. فقط یکبار در محاوره و جدال انصار و مهاجرینی که در سقیفه حضور داشتند، کلمه‌ی خلیفه به کار رفته است؛ آن هم زمانی که عمر از حاضران در سقیفه برای بیعت با ابوبکر یا ابوعبیده دعوت می‌کند و خطاب به ابوبکر می‌گوید: «انت احقنا بهذا الامر»^{۱۴} و از جمله‌ی «خلیفه علی الصلاة» در اثبات شایستگی و تقدم وی استفاده می‌کند. در ماجرای سقیفه غالباً از واژه‌ی «امر» به جای «خلافت» استفاده شده است.

هر چند استعمال واژه‌ی خلیفه در زمان پیامبر (ص) و حتی در ماجرای سقیفه نادر بود، اما این کلمه به سرعت در سطح گسترده‌ای در فرهنگ مسلمانان رایج شد. نخستین بار ابوبکر و در جریان ارسال سپاه اسامه، ترکیب «خلیفه‌ی رسول‌الله» را در سخنان خود بکار برد.^{۱۵} تحقیق در منابع اهل سنت حاکی از آن است که آن‌ها واژه‌ی «امامت و خلافت» را دو اسم برای یک منصب و مقام می‌دانستند. آن‌ها تسلط بر امور دینی و دنیوی را از جمله وظایف امام تلقی می‌کردند. با این حال عنایت به این نکته لازم است که این دو واژه در نزد شیعیان نخستین تفکیک پذیر بودند، زیرا در آن دوران واژه‌ی خلافت و خلیفه بر افراد مختلفی اطلاق می‌شد که غالب آن‌ها شرایط امامت را نزد شیعه نداشتند. در بحث جانشینی شیعیان معتقدند که علی (ع) هم در امامت و هم به عنوان خلیفه، جانشین پیامبر (ص) بود. از این رو شیعیان معتقدند خلافت علی (ع) غضب شده است.^{۱۶}

۱۳. ابی القاسم حسین بن محمد الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن (ارومیه: ظرافت، ۱۳۸۵)، ص ۲۴.

۱۴. عبدالله بن مسلم بن قتیبه‌الدینوری، الامامة و السياسة، ج ۱ (قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۸۸ ق)، ص ۹.

۱۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ امم و الملوک، ج ۳ (بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق)، ص ۲۲۶.

۱۶. محمدعلی رستمیان، حاکمیت سیاسی معصومان (تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان، ۱۳۸۱)، ص ۳۰.

شیعه و تشیع

به دلیل کاربرد فراوان این واژه می‌بایست در ابتدا به مفهوم و معنای لغوی و اصطلاحی آن بپردازیم. واژه‌ی «شیعه» به معنای دسته و گروه است. لسان العرب می‌گوید: «بر گروهی که بر یک امر اتفاق نظر دارند، شیعه گفته می‌شود هر قومی که هدف واحدی داشته، عده‌ای از آن‌ها دیگری را تبعیت کنند، شیعه هستند.»^{۱۷}

صاحب‌المنجد می‌گوید: «شیعه علم بالغلبه برای هر فردی است که محب علی (ع) و اهل بیت اوست به نحوی که برای آن‌ها اسم خاص شده است.^{۱۸} بنابراین، تشیع، مصدر باب تفاعل از ریشه‌ی «شَبَعَ» است که از لحاظ لغوی به معنای یاری دادن و پیروی کردن فرقه یا جماعتی از یک شخص است. برخی معنای لغوی تشیع را پیروی همراه با تدبیر و اخلاص نسبت به شخص متبوع دانسته‌اند.^{۱۹}

کاربرد واژه‌ی شیعه در قرآن

در قرآن کریم واژه‌ی شیعه به معنای گروه و دسته،^{۲۰} به معنی موافقت و هماهنگی در عقیده و عمل^{۲۱} و معنی پیرو^{۲۲} به کار رفته است. علاوه بر مثال‌های فوق، این واژه به شکل جمع یعنی شیع و اشیاع نیز در مواردی از قرآن کریم به کار رفته که شیع به معنای فرقه فرقه یا طبقه طبقه، و اشیاع به معنای مثال‌ها می‌باشد.^{۲۳}

بدین دلیل که هر دو فرقه‌ی امامیه و زیدیه از فرق عمده‌ی تشیع محسوب می‌شوند می‌بایست معنای اصطلاحی تشیع در نزد اندیشمندان و تاریخچگی‌ی پیدایش شیعه را مورد بررسی

۱۷. جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸-۱۸۹. (کلمه شیعه).

۱۸. المنجد الابجدی، ج ۱ (بیروت: دارالمشرق، بی‌تا)، ص ۱۳۳ و واژه‌ی شیع.

۱۹. محمد بن محمد بن نعمان الشیخ المفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات (تهران: انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و مک‌گیل، ۱۴۱۳ ق)، ص ۱.

۲۰. «ثم لتتزعن من کل شیعه ایهم اشد علی الرحمن عتياً.» مریه، ۶۹.

۲۱. «و ان من شیعتہ کہ ابراهیم.» صافات، ۸۳.

۲۲. «... فوجد فیها رجلین یقتلان هذا من شیعتہ و هذا من عدوہ فاستغاثہ الذی من شیعتہ علی الذی من عدوہ...» قصص، ۱۵۰.

۲۳. نیز رک: محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۷ (بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲ ق)، ص ۸۹ و ص

قرار داد.

ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ ق) معتقد است: «به آن دسته از دستداران علی که او را بر دیگر اصحاب پیامبر (ص) برتری داده‌اند، شیعه می‌گویند...»^{۲۴} عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹-۵۴۸ ق) می‌گوید:

«شیعه کسانی هستند که فقط از علی پیروی کنند و اعتقاد به نصّ جلی یا خفی بر امامت وی داشته، امامت را منحصر در خاندان او بدانند. به عقیده‌ی این گروه هر گاه امامت از خاندان علی (ع) بیرون رود، یا به سبب ظلم غاصبان بوده یا به منظور تقیه از دشمنان بوده است. این فرقه بر این باورند که امامت امر سیاسی و مصلحتی نیست که به اختیار و تعیین امت باشد، بلکه قضیه‌ای اصولی و از ارکان دین به شمار می‌آید؛ بر پیامبران نیز جایز نیست تا از این امر غفلت کنند و تعیین امام را به عهده‌ی مردم بگذارند.^{۲۵}» این خلدون (م ۸۰۸ق) نیز در تعریف شیعه آورده است: «شیعه در لغت به معنای پیروان و طرفداران است و در اصطلاح فقیهان و متکلمان متقدم و متأخر، بر پیروان علی (ع) و فرزندان او اطلاق می‌شود.^{۲۶}» مشاهده می‌شود که وجه مشترک تمامی این تعاریف که از بازه‌های زمانی مختلف برداشت شده‌اند پیروی از امام علی (ع) و اعتقاد به امامت وی و فرزندان او می‌باشد هر چند که واژه‌ی شیعه امروزه به طور عموم برای مذهب امامیه و یا اثنا عشریه به کار می‌رود اما فرق زنده‌ی دیگری همچون زیدیه هنوز وجود دارند که دقیقاً نقطه‌ی مشترک آن‌ها با امامیه نقطه‌ی اختلاف و جدایی آن‌ها از همدیگر شده است.

درباره‌ی تاریخ پیدایش تشیع به طور کلی و فرقه‌های گوناگون آن به طور خاص نظرات متفاوتی ابراز شده است؛ البته شیعه به معنای پیروان امام علی در این تعریف مراد است. برخی معتقدند که شیعه در زمان خود رسول خدا (ص) بنیان گذاری شده است.^{۲۷} عده‌ای دیگر از مورخین و اندیشمندان برآنند که شیعه پس از رحلت پیامبر اسلام و تحت تأثیر ماجرای سقیفه به

۲۴. ابی الحسن علی بن اسماعیل الاشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، تصحیح هلموت ریتز (بی‌جا: بی‌تا، ۱۴۰۰ق)، ص ۵.

۲۵. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، تحقیق محمد سید گیلانی (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۲ق) ص ۱۴۶.

۲۶. ابن خلدون، مقدمه‌ی ابن خلدون، فصل ۲۷، ص ۱۹۶.

۲۷. نوبختی، یعقوبی، ابن خلدون و حسن ابراهیم حسن از جمله این افراد هستند.

وجود آمد.^{۲۸} گروهی دیگر نیز همچون ابن حزم اندلسی ظهور شیعه را در عهد عثمان قلمداد کرده‌اند.^{۲۹} بنابر نظر دیگر معنای اصطلاحی واژه‌ی شیعه برای اولین بار بعد از شهادت امام حسن در ادبیات شیعه به کار رفته است.^{۳۰} هر چند اقوال و نظرات گوناگونی راجع به تاریخ پیدایش تشیع به طور عام وجود دارد اما بحث ما به طور خاص پیرامون دو فرقه‌ی امامیه و زیدیه و امامت از دیدگاه این دو فرقه است. در این بحث ضمن آوردن مختصری از تاریخچه‌ی هر کدام از فرق به ویژه فرقه‌ی زیدیه به بررسی آراء اندیشمندان بزرگ هر دو فرقه پیرامون مسئله‌ی امامت پردازیم. این امر از آن رو صورت می‌گیرد که با بررسی نظرات علمای هر گروه می‌توان به تلقی و برداشت هر شخص از این مسئله در بازه‌ی زمانی خویش پی برد و با در کنار هم قرار دادن اقوال و نظریات عالمان در هر دو حوزه می‌توان به طور اجمالی به سیر تطور و تحول اندیشه‌ی هر فرقه پیرامون مسئله‌ی امامت و به شیوه‌ای تاریخ نگارانه پی برد.

امامت از دیدگاه زیدیه

باید گفت که اعتقاد اکثریت زیدیه در باب امامت ریشه در افکار زید دارد بدین معنا که خود زید شخصاً از نخستین کسانی است که در این فرقه سخن از امام و امامت و شیوه گزینش او به میان آورده است هر چند که بسیاری از کتب و رساله‌های برجای مانده تنها منسوب به زید بن علی است و در نسبت برخی از این رسائل تردید وجود دارد. بنابراین کلیه‌ی تعاریف و اصطلاحات مربوط به امامت اگر چه منسوب به زید بن علی است اما بسیاری از آن‌ها در قرون بعدی توسط علمای زیدیه تشریح و تبیین گشته است از این رو در منابع زیدی بر جای مانده از قرون نخستین اسلامی تعریفی برای امامت به طور مشخص یافت نشد اما در منابع کلامی متأخر زیدیه، تعاریفی برای امامت ارائه شده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. قاسم بن محمد بن علی (۹۶۲-۱۰۲۹ ق) در تعریف امامت می‌گوید: «در نگاه شرع امامت، ریاست مطلق

۲۸. اندیشمندانی همچون علامه کاشف الغطاء، محمد حسین مظفر، محمد حسین الزین و حسن امین از این جمله‌اند.

۲۹. ابن حزم اندلسی، الفصل فی الملل و الالهواء والنحل، ج ۲، تحقیق محمدابراهیم النصر و عبدالرحمن عمیره (بیروت: دارالجلیل،

۱۴۱۶ق)، ص ۲۷۳. و نیز رک: احمد محمد صبحی، نظریه‌ی الامامه لدى الشیعه الاثنی عشریه، (مصر: دارالمعارف، بی تا) ص ۳۷.

۳۰. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱ (قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵ش) ص ۱۹.

است که به واسطه‌ی استحقاق فرد، شرعاً برای او ثابت می‌شود.^{۳۱} «امام احمد بن سلیمان بن محمد العنسی (۵۰۰-۵۶۶ق) می‌گوید: «امام جانشین نبی است تا احکام را اجرا و از حلال و حرام خدا دفاع کرده، ضعفا و اتیام را سرپرستی کند و حق مظلوم را از ظلم بستاند و مردم را به عزت اسلام و عمل به مکارم دعوت کند.»^{۳۲}

احمد بن یحیی بن احمد حابس الصعدی (م ۱۰۶۱ق) در تعریف امامت می‌گوید: «امامت ریاست مطلق شخصی در امور دین و دنیا و در امور متعلق به سیاست است، به نحوی که فراتر از آن قدرتی نیست.»^{۳۳} محقق معاصر، احمد عبدالله عارف المؤیدی درباره‌ی امامت و جایگاه آن نزد زیدی مذهب اینگونه می‌گوید: «امامت در نزد زیدیان با امامت در دیگر فرق اسلامی متفاوت است. زیدیه هر چند به عنوان جریانی شیعی شناخته شده است، اما در تفسیر امامت حد وسطی بین اهل سنت و شیعه‌ی امامیه را برگزید. بدین سان نه مثل افراطیون شیعه برای ائمه قداست قائل است که به آن‌ها نسبت عصمت می‌دهند و سنت و سیره‌ی آن‌ها را دلیل اصول و فروع شرع خود می‌دانند و نه مثل اهل سنت برخورد می‌کنند.»^{۳۴} بنابراین می‌توان گفت که زیدیان بر این باورند که امامت عالی‌ترین مرتبه‌ی قدرت در دولت اسلامی است. از این رو نصب امام را در هر زمان واجب دانسته، امامت را از جمله ضروریات دین می‌دانند.^{۳۵} نتیجه‌ی این سخن آنست که در اصل اعتقاد به امامت بین دو دیدگاه امامی و زیدی اختلاف قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد و زیدیه قائل به وجود شرعی امامت‌اند. زیدیه همچون امامیه به منظور اثبات امامت از دلایل شرعی و عقلی (مؤیدات عقلی) استفاده می‌کنند؛ از مؤیدات عقلی ایشان می‌توان به قاعده‌ی لطف، دفع ضرر و وجود شکر منعم اشاره کرد.

زیدیان نیز مانند امامیان برای امامت ویژگی‌ها و شرایطی را قائل‌اند. به طور کلی می‌توان ویژگی‌هایی را که زیدیان برای امام لازم می‌دانند را به دو دسته طبقه‌بندی کرد:

۳۱. قاسم بن محمد بن علی المنصور بالله، الاساس لعقائد الأكياس (صعده: مکتبۃ التراث الاسلامی، ۱۴۱۵ق)، ص ۱۵۰.
۳۲. احمد بن سلیمان متوکل علی‌الله، حقائق المعرفة فی علم الکلام، تصحیح حسن بن یحیی یوسفی (صنعا: مؤسسۃ الامام زید الثقافی، ۱۴۲۴ق)، ص ۴۳۷.
۳۳. احمد بن یحیی حابس الصعدی، الايضاح شرح المصباح الشهير بشرح ثلاثین المسأله، تصحیح حسن بن یحیی یوسفی، (صنعا: دارالحکمة الیمانیة، ۱۴۲۰ق)، ص ۲۹۷.
۳۴. احمد عبدالله عارف، الصلۃ بین الزیدیة و المعتزلة (صنعا: دار آزال، ۱۴۰۷ق)، ص ۳۱۸.
۳۵. احمد بن سلیمان متوکل علی‌الله، ص ۴۳۸.

الف) ویژگی‌های ایجابی که شروط لازم برای احراز منصب امامت‌اند.
 ب) ویژگی‌های سلبی که یا باعث عزل امام از این منصب می‌شوند یا شرط لازمه در وصول به منصب امامت نیستند.

شرایط و ویژگی‌های ایجابی برای تصدی مقام امامت در اندیشه‌ی زیدیه علاوه بر شرایط عمومی مثل مرد بودن، بلوغ، عقل عبارتند از:

۱- امام باید از خاندان اهل بیت (فاطمی) باشد. خواه از ذریه‌ی امام حسن (ع) یا از ذریه‌ی امام حسین (ع) باشد.

۲- امام از طریق وراثت تعیین نمی‌شود.

۳- قدرت بر خروج و جنگ داشته باشد تا از این راه از حق مسلمانان دفاع کند.

۴- زاهد، عادل، شجاع، سخی و حرّ باشد.

۵- سلامتی حواس و اعضای بدن داشته باشد.

۶- حسن رأی و تدبیر داشته باشد.

۷- بر مبنای کتاب خدا و سنت رسول به خود دعوت کند.

۸- عالم و مجتهدیه علوم، اصول دین و... باشد هر چند لازم نیست اعلم باشد.

۹- امامت مفضول با وجود افضل جائز است.

البته باید گفت که خود زید قائل به وصیت در امامت بود از این رو نمی‌توانست به این شرط معتقد باشد. ثانیاً زید قائل به قیام با شمشیر بود در حالی که اعتقاد به امامت مفضول باید از روی مماشات و نرمی با بنی‌امیه باشد و این دو موضوع با همدیگر سازگار نیستند. از دیگر سو نفس قیام عملی زید شاهد برآنست که وی قائل به امامت مفضول نبوده است. همچنین باید گفت که زید قائل به نص بر امامت علی (ع) بود؛ از این رو وی نمی‌توانست به امامت مفضول قائل باشد، چون لازمه‌ی آن نفی نص بود. از سویی دیگر این ویژگی می‌تواند از جمله شرایط سلبی نیز باشد.^{۳۶}

۱۰- قیام مسلحانه: در اندیشه‌ی زیدیان قیام از جمله‌ی شرایط امام است؛ یعنی امام باید

۳۶. همه‌ی موارد را نک: محمد ابوزهره، الامام زید حیاته و عصره آراوه و فقهه (قاهره: دارالفکر العربیه، بی‌تا)، ص ۱۸۸-۱۹۴؛ شهرستانی، ص ۱۵۵؛ قاسم بن محمد بن علی المنصور بالله، ص ۱۵۷-۱۵۱؛ الشیخ المفید، ص ۴۸-۴۶؛ احمد شوقی ابراهیم العمرجی، الحیة السیاسیة و الفکریة للزیدیه فی المشرق الاسلامی (قاهره: مکتبه المدبولی، ۱۴۲۰ق)، ص ۱۶۸.

دست به شمشیر برده، علیه ظلم ظالمان به پا خیزد. وظیفه‌ی هر مسلمانی یاری رساندن به قیام کنندگان است.

محمد ابوزهره دیدگاه امام زید راجع به صفات امام را اینگونه تشریح می‌کند:

«امام زید، اهل بیت بودن، دعوت به خود و خروج را شرط امامت می‌دانست و از این رو تقیّه را رد کرد. شرط کردن خروج و دعوت به خود برای امامت بر دو مسئله مبتنی است؛ یکی این است که امام از اهل حل و عقد بوده از راه اختیار انتخاب شود و دیگر اینکه در انتخاب امام، مصلحت لحاظ شود. چنین اختیاری جز با اعلام کسی که در آل البیت اراده‌ی خلافت دارد کامل نمی‌شود و این اعلام به واسطه‌ی خروج و دعوت به خود است.^{۳۷}» بعد از ذکر شرایط ایجابی امامت نوبت به تبیین شرایط سلبی امامت می‌رسد که باعث عزل امام از منصب امامت می‌شوند؛ یا از جمله شروط لازم برای تصدی این مقام نیستند. از جمله ویژگی‌های سلبی برای تصدی منصب امامت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- فسق و کفر

۲- امراضی که مانع اقامه‌ی حدود شود، مثل فساد عقل و جنون

۳- پیری و زمین گیر شدن

۴- اسارت امام در صورتی که امید به آزادی وی نباشد.^{۳۸}

حال که به ویژگی‌های سلبی و ایجابی امامان از دیدگاه زیدیان مشخص شد به اندیشه‌های این فرقه پیرامون راه‌های نصب امام می‌پردازیم؛ هر چند که در طریق نصب امام بین زیدیان وحدت رویه‌ای وجود ندارد اما به طور کلی می‌توان سه راه را برای نصب امام از دیدگاه آنان تصور کرد:

۱- دعوت: در اندیشه‌ی این فرقه، دعوت راه شناخت امام و تثبیت امامت اوست. مراد آن‌ها از دعوت این است که فردی قیام کرده و مردم را به سوی خود دعوت کند. پیروان او نیز دیگران را به بیعت با او دعوت کنند.^{۳۹}

۲- انتخاب و اختیار: که در نزد زیدیان به دو معناست:

۳۷. محمد ابوزهره، ص ۱۹۲.

۳۸. قاسم بن محمد بن علی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۳۹. ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱-۲- هر امامی خلیفه‌ی بعدی را تعیین کند. یا آنکه

۲-۲- شورا خلیفه را تعیین کند.^{۴۰}

زیدیه معتقدند که بعد از رسول، علی (ع) امام و خلیفه‌ی اوست. آن‌ها قائل به وصیت رسول بر امامت وی هستند. به این معنا که خدا به زبان رسول (ص) مردم را به امامت علی و حسنین (ع) و نیکان ذریه آن‌ها سفارش فرمود. در تفکر این عده، تثبیت امامت در اهل بیت از طرف خدا، به زبان رسول بوده است که زیدیه شناسان از آن به وجود نصّ بر امامت علی (ع) و حسنین (ع) یا راه شرعی نصب امام تعبیر می‌کنند. در مجموع باید گفت بحث فوق بیانگر نظریه‌ی اختیار در امامت زیدیان است.

در تفکر زیدیان امام عالی‌ترین قدرت در دولت اسلامی است، از این رو بعد از بیعت کردن مردم، وی موظف به حفظ مصالح عمومی جامعه است. اهم این مصالح عبارتند از: عمل بر طبق موازین شرع، کتاب خدا و سنت رسول (ص)، دعوت جامعه به خیر و صلاح، امر به معروف و نهی از منکر، تلاش در جهت تثبیت حریت، عدالت و مساوات در جامعه، حفظ سیادت و شخصیت انسان‌ها و دفاع از حقوق و استقلال و مرزهای سرزمین آن‌ها، جهاد با ظالمان؛ گرفتن حق مظلوم و اجرای حدود شرعی و...^{۴۱} از دیگر نظریات زیدیان که برخی فرقه‌شناسان به آنان منتسب کرده‌اند این است که: «زیدیان خروج دو امام را که دارای صفات ائمه باشند و در دو نقطه‌ی دور از هم زندگی کنند را جائز می‌دانند و هر دوی آنان را واجب الطاعه می‌دانند.^{۴۲}» دقیق‌تر آنست که بگوئیم زیدیان در عدم جواز قیام دو یا چند امام در سرزمین واحد و زمان واحد اتفاق نظر دارند، اما در جواز خروج دو یا چند امام در وقت واحد، در صورتی که در دو نقطه‌ی دور از یکدیگر باشند، اتفاق نظری ندارند.^{۴۳}

پرتال جامع علوم انسانی

۴۰. احمد محمود صبحی، الامام المجتهد یحیی ابن حمزه و آراوه الکلامیه (قاهره: منشورات العصر الحدیث، ۱۴۱۰)، ص ۱۵۷.

۴۱. قاسم بن محمد بن علی الرسی، الاعتصام بحبل الله المتین (اردن، مطابع الجمعیه العلمیه الملكیه، ۱۴۰۴ق)، ص ۴۳۰-۴۳۴.

۴۲. شهرستانی، ج ۱، ص ۱۵۵.

۴۳. در این مورد نک: هادی بن ابراهیم الوزير، هداية الراغبین إلى مذهب العتره الطاهرین، تحقیق عبدالرقيب بن مطهر (قاهره:

دارالاحیاء الكتب العربیة، بی‌تا)، ص ۲۷۹.

امامت در تشیع امامی

حال که تا حدودی دیدگاه زیدیان راجع به امامت، جایگاه و اختیارات آن مشخص شد به سراغ نقطه نظرات امامی مذهب راجع به امامت می‌رویم به طور کلی باید گفت «منابع فقهی و کلام اسلامی منصب امامت را به صورت «ریاست عالی بر امور دین و دنیا» تعریف کرده‌اند.»^{۴۴} اما برای رسیدن به اصل مفهوم امامت از دیدگاه امامیان می‌بایست دیدگاه‌های مهم‌ترین دانشمندان ایشان را مورد بررسی قرار داد.

شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) می‌گوید: «همانا ائمه جانشین انبیاء در اجرای احکام، اقامه‌ی حدود، حفظ شریعت و راهنمایی خلق بوده، همانند انبیاء معصوم‌اند.» وی امامت را استمرار نبوت دانسته و با طرح مسئله‌ی عصمت التزاماً معتقد به نص است.^{۴۵} خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۸-۶۷۲ق) ضمن پذیرش ملاک‌های شیخ مفید در قواعد العقائد امامت را چنین تعریف می‌کند: «امامت ریاست عام و مطلق دینی است که شامل ترغیب همه‌ی مردم به حفظ مصالح دینی و دنیایی می‌شود.»^{۴۶} می‌توان به طور کلی در اندیشه‌ی تکامل یافته‌ی شیوه‌ی امامیه مؤلفه‌های محوری زیر در تعریف امامت نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند:

۱- جانشینی پیامبر

۲- تنفیذ احکام و بعد شخصیت حقوقی امام

۳- هدایت‌گری

۴- نص یعنی منصوب شدن امام به این سمت از جانب خدا.

در مکتب امامیه امامت از اهمیت خاصی برخوردار است و از اصول اعتقادی دانسته شده است. شیخ مفید در این باره می‌گوید: «امامیه بر این مسئله اجماع دارند که اگر شخصی یکی از ائمه و آنچه را خدا در اطاعت از آن‌ها واجب کرده است، انکار کند، کافر و گمراه است.»^{۴۷} با نگاهی به روایات و احادیث باقی مانده از امامان شیعه در میابیم که سیر دیدگاه‌های امامت به

۴۴. سید حسین مدرسی طباطبایی، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه‌ی هاشم ایزد پناه (تهران: کویز، ۱۳۸۶)، ص ۳۳.

۴۵. الشیخ المفید، ص ۵۰.

۴۶. محمد بن الحسن الطوسی، قواعد العقائد، تحقیق علی الربانی الکلپایگانی (قم: لجنة إدارة الحوزة العلمية بقم، ۱۴۱۶ق)، ص ۱۰۹.

۴۷. الشیخ المفید، ص ۷.

نظریه‌ی امامت به طور صعودی بوده است بدین معنا که امام بعدی معانی و اهداف وسیع‌تری را در بحث امامت گنجانده است. مثلاً این حدیث که از ابوحمزه ثمالی می‌گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم آیا ممکن است زمین بدون امام بماند؟ فرمود: اگر زمین بدون امام بماند حتماً فرو می‌ریزد.»^{۴۸} همان گونه که زیدیه برای امام ویژگی‌های خاصی را قایل بودند امامیه نیز برای امام ویژگی‌های خاصی را قایل شده است که به طور کلی عبارتند از:

۱- عصمت: شیعه‌ی امامیه تأکید فراوان در لزوم عصمت امام دارند. از نظر امامیه او همانند پیامبران باید معصوم از هر گونه خطا باشند؛ زیرا ارتکاب معاصی با تصدی منصب امامت منافات دارد. امامیه از برهان عقلی و نقلی برای اثبات مدعای خود استفاده می‌کند از جمله دلایل عقل می‌توان به برهان هشام و برهان تسلسل و... اشاره کرد. از ادله‌ی نقلی می‌توان به آیات امامت ابراهیم در قرآن اشاره کرد.

۲- برخلاف زیدیه که به امامت مفضول با وجود افضل قائلند امامیه معتقد است که افضل بودن از جمله صفات امامان است. شیخ طوسی می‌گوید که: «امام باید در فضل ظاهری و در بهره‌مندی بیشتر از ثواب الهی از همه‌ی امت برتر باشد.»^{۴۹}

۳- در نظر شیعه‌ی امامیه، نص مهم‌ترین طریق ثبوت امامت است: این امر از آنروست که در اندیشه‌ی شیعی امامت مقام دنیوی صرف و یا تنها زعامت و رهبری سیاسی نیست؛ امام به مدد فیض الهی مسئولیت رهبری امت اسلامی را از جهت ظاهر، باطن و نیز حفظ شریعت عهده‌دار است. به بیان دیگر، متفکران شیعی امامت را حقیقتی معنوی- سیاسی می‌دانند. از این رو برای امام وظایف و اختیاراتی را تشریح کرده‌اند:

الف) حق امامان بر امت عبارتست از:

۱- شناخت امام به صورت مشخص و ویژگی‌های وی؛

۲- مودت و دوستی امت نسبت به امام؛

۳- ارجاع مسایل به ائمه و تسلیم در برابر احکام آن‌ها؛

۴- اقتدا و اطاعت از ائمه؛

۴۸. النبیة، محمد بن جریر طبری، (نجف: مکتب الصادق، ۱۳۶۶)، ص ۱۹۸.

۴۹. محمد بن الحسن الطوسی، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد (نجف: منشورات جمعیه منتدی النشر، ۱۳۱۹ق)، ص ۳۰۸.

- ۵- دریافت و فهم دین از ائمه؛
- ۶- وفاداری به عهد و بیعت امامت ائمه.
(ب) حق امت بر امام؛
- ۱- صرف مساوی بیت‌المال در بین امت و رعایت عدالت در جامعه؛
- ۲- ارتقای دین‌داری امت و تلاش در آموزش دین به آن‌ها؛
- ۳- اجرای احکام الهی در جامعه؛
- ۴- مشورت با امت در امور جامعه؛
- ۵- ایجاد وحدت در جامعه و تلاش در جهت حفظ آن؛
- ۶- حفظ مرزهای بلاد اسلامی؛
- ۷- رفق و مدارا با امت.^{۵۰}

در اندیشه امامیان تعدد امام معصوم در یک زمان جائز نیست، امام باید یکتا و منحصر در یک شخص معین باشد؛ هرچند که وجود امام صامت، که وصی و جانشین امام ناطق است، ممکن است.^{۵۱}

نتیجه‌گیری

دو فرقه زیدیه و امامیه از فرق زنده شیعی به شمار می‌روند که تصور هر یک از این دو از مقوله‌ی امامت در طی سده‌های نخستین اسلامی شکل گرفته است و به مرور زمان اندیشه آن‌ها عموماً و در مسئله امامت خصوصاً توسعه و تکامل یافته است. زیدیان و امامیان در نظریه امامت دارای وجوه اشتراک و نیز وجوه افتراق می‌باشند. این دو فرقه بر اساس نظر غالب فرقه شناسان در مباحث کلان اعتقادی مانند توحید، نبوت، معاد و محورهای اصلی بحث امامت، یعنی اصل مرجعیت اهل بیت و لزوم تمسک به کتاب، عترت و خلافت بلافصل علی و ذریه او وحدت نظر دارند. اما با وجود نقاط مشترک بسیار زیدیان و امامیان در محورهای خاصی از بحث امامت که

۵۰. نک: محمد بن اسحاق الكلینی الرازی، اصول کافی، ج ۱، ترجمه و شرح جواد مصطفوی (تهران: علمیه الاسلامیه، ۱۳۶۳)، ص ۴۰۵، کتاب الحجّه.

۵۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵ (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲)، ص ۱۰۶.

به آن اشاره شد با هم اختلاف نظر دارند. از جمله این اختلافات می توان به نص در امامت، صفات امام، افضلیت امام و تعداد ائمه اشاره کرد.

کتابنامه

ابراهیم العمرجی، احمد شوقی. الحیاء السیاسیة و الفکریة للزیدیه فی المشرق الاسلامی. قاهره: مکتبه المدبولی، ۱۴۲۰ق.

ابن خلدون، عبدالرحمن. العبر و دیوان المبتدا و الخبر. بیروت: بی نا، بی تا.
ابن منظور، محمد بن مکرم جمال الدین. لسان العرب. ج ۱۲. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
ابوزهره، محمد. الامام زید حیاته و عصره آراوه و فقهه. قاهره: دارالفکر العربیة، بی تا.
الشعری، ابی الحسن علی بن اسماعیل. مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین. تصحیح هلموت ریتز. بی جا: بی تا، ۱۴۰۰ق.

اندلسی، ابن حزم. الفصل فی الملل و الاهواء والنحل. تحقیق محمدابراهیم النصر و عبدالرحمن عمیره. ج ۲. بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۶ق.

جعفریان، رسول. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری. ج ۱. قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵.
حابس الصعدی، احمد بن یحیی. الايضاح شرح المصباح الشهير بشرح ثلاثين المسألة. تصحیح حسن بن یحیی یوسفی. صنعا: دارالحکمة الیمانیة، ۱۴۲۰ق.

الدینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبة. الامامة و السیاسة. ج ۱. قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۸۸.
الراغب الاصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. ارومیه: ظرافت، ۱۳۸۵.
رستمیان، محمدعلی. حاکمیت سیاسی معصومان. تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان، ۱۳۸۱.
الرسی، قاسم بن محمد بن علی. الاعتصام بحبل الله المتین. اردن: مطابع الجمعية العلمية الملكية، ۱۴۰۴ق.
الشهرستانی، محمد بن عبدالکریم. الملل و النحل. ج ۱. تحقیق محمد سید گیلانی. بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۲ق.

صبیحی، احمد محمود. الامام المجتهد یحیی ابن حمزه و آراوه الکلامیة. قاهره: منشورات العصر الحدیث، ۱۴۱۰.

_____ نظریة الامامة لدى الشيعة الاثني عشرية. مصر: دارالمعارف، بی تا.

علی بن حسین بن بابویه قمی، محمد الشیخ الصدوق. معانی الاخبار. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: ارغمان طوبی، ۱۳۸۹.

طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیرالقرآن. ج ۱۷. بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲ق.
الطبری، محمد بن جریر. تاریخ امم و الملوک. ج ۳. بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
طریحی، فخرالدین. مجمع البحرین. ج ۵. تحقیق احمد الحسینی. تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.

الطوسی، محمد بن الحسن. الغیبه. نجف: مکتب الصادق، ۱۳۶۶.

_____ .الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد. نجف: منشورات جمعیه منتدی النشر، ۱۳۱۹.

_____ . قواعد العقائد. تحقیق علی الربانی الگلپایگانی. قم: لجنة إدارة الحوزة العلمية بقم،

۱۴۱۶ق.

عارف، احمد عبدالله. الصلوة بین الزیدیه و المعتزلة. صنعا: دارآزال، ۱۴۰۷ق.

الکلینی الرازی، محمد بن اسحاق. اصول کافی. ج ۱. ترجمه و شرح جواد مصطفوی. تهران: علمیه الاسلامیه، ۱۳۶۳.

متوکل علی الله، احمد بن سلیمان. حقائق المعرفة فی علم الکلام. تصحیح حسن بن یحیی یوسفی. صنعا: مؤسسه الامام زید الثقافیة، ۱۴۲۴ق.

مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. ج ۲۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

مدرسی طباطبایی، سید حسین. مکتب در فرآیند تکامل. ترجمه‌ی هاشم ایزد پناه. تهران: کویر، ۱۳۸۶.
محمد بن نعمان، محمد المفید. اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و مک گیل، ۱۴۱۳ق.

المنصور بالله، قاسم بن محمد بن علی. الاساس لعقائد الأکیاس. صعه: مکتبه التراث الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
الوزیر، هادی بن ابراهیم. هداية الراغبین إلى مذهب العترة الطاهرين. تحقیق عبدالرقيب بن مطهر. قاهره: دارالاحیاء الکتب العربیة، بی تا.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی